

نقش اسرائیل در بحران‌های قفقاز (بررسی مناقشه گرجستان)

جلیل نایبیان *

دانشیار تاریخ دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۲ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۹/۲۶)

چکیده

حضور و نفوذ اسرائیل در برخی مناقشه‌های منطقه‌ای و جهان به وضوح دیده می‌شود. از مهم‌ترین این ابزارها، نفوذ امنیتی - اطلاعاتی و تکنولوژی برتر نظامی است. در جنگ اخیر گرجستان با روسیه هم با توجه به موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوپولیتیک منطقه، این رژیم در صحنه منازعه حضور جدی داشت و حتی در مراحل مختلف مناقشه ایفای نقش کرد. مناقشه گرجستان، علاوه بر تأثیر منطقه‌ای، به دلیل اهمیت ژئوپلیتیکی قفقاز پس از جنگ سرد و تبدیل منطقه به عرصه رقابت قدرتهای فرامنطقه‌ای به سرعت ابعاد بین‌المللی به خود گرفت. از مهم‌ترین ابعاد فعالیت‌های اسرائیل در گرجستان بعد نظامی و امنیتی (جاسوسی) آن است. گزارش‌های موجود نشان می‌دهد که نقش این رژیم در جنگ گرجستان تنها به فروش سلاح‌های پیشرفته به این کشور محدود نمی‌شود؛ بلکه افسران آن نیز در آموزش نظامی نیروهای گرجی مشارکت داشتند و شرکت‌های اسرائیلی فعال در زمینه تولید اسلحه نیز در این کشور حضور پیدا می‌کردند. در این پژوهش «موازنه قدرت» به عنوان چارچوب نظری تحقیق در نظر گرفته شده است و سعی شده این موضوع با روش توصیفی-تحلیلی بررسی شود. در نهایت این تحقیق نقش اسرائیل در بحران‌های قفقاز و چگونگی نفوذ این کشور بر ژئوپولیتیک پیرامونی ایران را روشن می‌کند و می‌تواند آگاهی‌های جدیدی برای پژوهشگران و تصمیم‌گیرندگان سیاسی فراهم کند.

کلید واژه‌ها

مناقشه‌ها، قفقاز، گرجستان، روسیه، اسرائیل، ایران.

مقدمه

حمله گرجستان به اوستیای جنوبی برای احیای وحدت سرزمینی خویش و سپس ورود روسیه به این مناقشه به نفع تجزیه‌طلبان و علیه دولت مرکزی گرجستان صحنه منازعه را به رویارویی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل کرد. به عبارتی، در کوتاه‌ترین زمان مناقشه‌ای محلی در ابعاد مختلف به مسأله‌ای بین‌المللی تبدیل شد و کشورهای آمریکا، روسیه، ترکیه و همچنین اتحادیه اروپا و اسرائیل بازی‌های پیچیده‌ای در این فضا برای خود تعریف کردند. آمریکایی‌ها علاوه بر آغاز جنگ رسانه‌ای و دیپلماتیک علیه روسیه، با وارد کردن ناوهای جنگی خویش (هر چند با عنوان کمک‌های انسان دوستانه) به دریای سیاه سایه سنگین رقابت‌های نظامی را بر منطقه حاکم کردند. بین بازیگران مختلف صحنه مناقشه، حضور و نقش اسرائیل بسیار پیچیده و جدی بود. شاید اسرائیل تنها طرفی بود که در عمل در طراحی عملیات جنگی، تجهیز ارتش گرجستان به انواع سلاح‌های مدرن و آموزش و مشاوره‌ی آنها نقشی ویژه داشت. حتی پیروزی‌های اولیه ارتش گرجستان در مقابل روسیه و نیروهای اوستیای جنوبی را پیروزی اسرائیلی‌ها و کارشناسان نظامی اسرائیل نامیدند. با این اوصاف، از آنجا که منطقه قفقاز جنوبی در حوزه مطالعات امنیتی ایران جای می‌گیرد و تحول‌های این منطقه، مستقیم یا غیر مستقیم، بر منافع و امنیت منطقه‌ای ایران تأثیر می‌گذارد و از سوی دیگر، با توجه به اینکه اسرائیل در تمام حوزه‌های مربوط به ژئوپولیتیک ایران علیه منافع ملی جمهوری اسلامی جهت‌گیری یا حتی بحران‌ها را در راستای تنازع با ایران مدیریت می‌کند، درک نقش و بازیگری اسرائیل در مناقشه اخیر گرجستان ضروری است.

این مقاله در پی پاسخ به این سوال است که نقش اسرائیل در بحرانهای قفقاز را چگونه می‌شود فهمید و این رژیم چه اهدافی را در منطقه قفقاز دنبال می‌کند؟ در پاسخ به چنین سوالی این فرضیه دنبال شده است که اهدافی که اسرائیل در این منطقه در راستای منافع ملی خود و نیز ایفای نقش جدید در چارچوب راهبرد غرب، به ویژه ایالات متحده آمریکا، دنبال می‌کند در تضاد با اهداف و منافع بازیگران مهم دیگر از جمله روسیه و ایران است. برخی مفروضه‌های بنیادی را می‌توان به عنوان مبانی این پژوهش تلقی کرد؛ از جمله این که ریشه بحرانهای منطقه‌ای در رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای است و احیاناً صحنه رقابت آن‌ها خواهد بود و این که بازیگری اسرائیل در این منطقه در تضاد با منافع منطقه‌ای ایران در آینده قابل تصور است. در این مقاله ضمن بررسی اجمالی اهداف اسرائیل در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز یا به عبارت دیگر، کشورهای حوزه دریای خزر که در محیطی ژئوپولیتیک قابل تفسیرند، به موضوع‌های دیگری از جمله نقش و مواضع اسرائیل در بحران‌های قفقاز،

نوع بازیگری و مداخله‌گری اسرائیل در مناقشه گرجستان، واکنش روسیه به عملکرد اسرائیل در این مناقشه و تأثیر آن بر منافع و امنیت ملی و منطقه‌ای ایران می‌پردازیم.

۱. چارچوب نظری «نظریه موازنه قدرت»:

در تبیین علت ها و عوامل توسعه همکاری در میان کشورها نظریه های مختلفی ارائه شده است یکی از نظریه های که به این موضوع می پردازد نظریه موازنه قدرت است. در این نوشتار با تاکید بر قدرت طلبی چند کشور، که هر یک سعی می کنند وضع موجود^۱ را حفظ کنند یا براندازند و به نظریه موازنه قدرت و سیاست های معطوف به حفظ آن متعهد می شود، پرداخته شده است. از بررسی معیارها و سازوکارهای سیاسی چنین بر می آید که موازنه قدرت بین المللی، صرفا جلوه ویژه ای از یک اصل اجتماعی عمومی است که استقلال بخش های تشکیل دهنده جوامع مرکب از واحدهای خود مختار، به آن وابسته است؛ موازنه قدرت و سیاست های معطوف به حفظ آن اجتناب ناپذیرند و عامل اصلی ثبات در جامعه ی دولت های حاکم محسوب می شوند، و عدم ثبات موازنه قدرت بین المللی، ناشی از نقش این اصل نیست، بلکه ناشی از شرایطی است که این اصل باید در چارچوب آن، در جامعه مرکب از دولت های حاکم عمل کند. (مورگنتا، ۱۳۷۹: ص. ۲۹۱) بنابراین هر دولتی علاقه مند به افزایش قدرت خود و در صورت امکان مانع از افزایش قدرت دولت های رقیب است. پس هریک از دولت ها می خواهند برای حفظ موجودیت خود در مقابل هرگونه خطر تجاوز خارجی خواهان قدرت باشند. این واقعیت که هیچ کشوری به تنهایی قادر به جلوگیری از تجاوز احتمالی دولت های دشمن نیست، پس تشکیل اتحادیه ها و ضداتحادیه ها را ضروری می کند و از طریق آنها هر دولت سعی می کند در مواردی که عاملی خارجی، امنیت آن را تهدید می کند، از حمایت مورد لزوم اطمینان یابد این کوشش را معمولا تلاش برای حفظ موازنه قدرت می خوانند؛ موازنه قدرت شیوه های متفاوتی دارند که از جمله می توان به شیوه «تفرقه بینداز و حکومت کن» دولت هایی که می کوشند رقبای خود را از طریق ایجاد تفرقه میان آنها و تداوم تفرقه ضعیف کنند و یا ضعیف نگاه دارند به این شیوه متوسل می شوند، بنابراین به طوریکه مشهود است اسرائیل نیز برای رسیدن به اهداف خود در منطقه از این شیوه دیرینه استفاده می کند. (مورگنتا، ۱۳۷۹: ص. ۳۰۳)

۲. اهداف اسرائیل در آسیای مرکزی و قفقاز

با توجه به اهمیت منطقه آسیای مرکزی و قفقاز در معادله های ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک جهان، اسرائیل چندین هدف مهم را در این منطقه دنبال می کند:

1. status que
2. Divide and Rule

الف) ارتباط یهودیان منطقه

از مهم‌ترین انگیزه‌های اسراییل در برقراری روابط با آسیای مرکزی و قفقاز، پدید آوردن شبکه‌های لازم به منظور ارتباط نزدیک با یهودیان مقیم این مناطق یا مهاجرت آنها به اسراییل است. در فاصله کمتر از چهار سال از زمان فروپاشی شوروی تا سال ۱۹۹۶ نزدیک به نیم میلیون نفر از مردم جمهوری‌های شوروی به اسراییل مهاجرت کرده و جمعیت آن را به میزان ۱۰ درصد افزایش داده‌اند. (البته این رقم‌ها در حال حاضر بیش از دو برابر شده است.) بیشتر این مهاجران فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های شوروی بوده‌اند. از میان یهودیان مقیم شوروی حدود دویست هزار نفر در کشورهای آسیای مرکزی سکونت دارند و اسراییل علاقه‌مند است مهاجرت آنها را هموار کند. البته اسراییل با بهره‌گیری از اقلیت یهود ساکن این مناطق از آن به عنوان اهرم نفوذ برای رواج اندیشه‌های صهیونیستی استفاده می‌کند (شیرازی و مجیدی، ۱۳۸۳: ص. ۳۱۷).

ب) تداوم راهبرد پیرامونی

هدف دیگر اسراییل در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، تداوم و تحقق سیاست خارجی خود با عنوان «راهبرد پیرامونی» است که دیوید بن گوریون، اولین نخست‌وزیر اسراییل، آن را طرح‌ریزی کرد. این طرح اتحاد اسراییل را با کشورهای ترکیه، ایران دوران پهلوی و اتیوپی تجویز می‌کرد. با این حال، با سقوط رژیم شاه در سال ۱۹۷۹، طرح یاد شده عملی نشد و عقیم ماند. البته تغییر سیاست ایران در برابر آمریکا و اسراییل، پس از انقلاب اسلامی به طوری که می‌دانیم بعد از ترکیه ایران در سال ۱۳۲۹ اسراییل را به صورت دو فاکتو به رسمیت شناخت، این سیاست در چارچوب آیین حاشیه‌ای که به مفهوم ایجاد منطقه ناامن در پشت سر اعراب برای کاهش فشار بر این رژیم بود اتخاذ شد (نائبیان، ۱۳۹۱: ص. ۱۸۱).

ج) مقابله با انقلاب اسلامی و جریان‌های اسلام‌خواهی در منطقه

اسراییل جمهوری اسلامی ایران را بزرگ‌ترین دشمن خود در منطقه خاورمیانه می‌داند که در اساس با موجودیت این رژیم مخالف است. هدف ایالات متحده آمریکا نیز انزوای جمهوری اسلامی ایران در جهان است. در همین راستا، یکی از برنامه‌های مشترک آمریکا و اسراییل و حتی ترکیه دور ننگه داشتن ایران از آسیای مرکزی و قفقاز است. برای نمونه، آمریکا در طرح‌های ایران برای انتقال نفت و گاز منطقه کارشکنی می‌کند و با وجود غیراقتصادی بودن خط لوله باکو-جیحان آن را ساخته است؛ در این نکته نیز تردیدی نیست که ایالات متحده آمریکا از مرزهای شرقی «پاکستان» تا «تل‌آویو» هیچ قدرت منطقه‌ای را تحمل نمی‌کند. بنابراین طبیعی است که تضعیف ایران در دستورکار «واشنگتن» باشد (نائبیان، ۱۳۹۰: ص. ۱۹۲). و ترکیه نیز حضور ناتو و اسراییل در منطقه را ضامن ثبات و مانعی در مقابل

روسیه و ایران می‌داند. نگرانی ترکیه در این زمینه افزایش نفوذ روسیه و ایران در قفقاز و رویارویی با آنان بوده است. ترکیه همچنین با همکاری ایالات متحده آمریکا در تلاش است که به اهداف بزرگتری در منطقه دست پیدا کند. با توجه به رقابت آمریکا و روسیه در صحنه بین‌المللی، آمریکا سعی می‌کند که از کارت ترکیه در مهار روسیه استفاده کند (نائیبیان، ۱۳۹۱:ص. ۶۶۸). کشورهای منطقه نیز به طور متقابل از روابط با اسرائیل برای نزدیکی با آمریکا سود می‌جویند و نگرش همسوی رهبران آنها با اسرائیل نشان دهنده افزایش شهرت و جایگاه این رژیم در غرب و غربی شدن است. بدین علت، طرحی توسط دستگاه های مختلف آمریکا تهیه شده که در آن نقش راهبردی در آسیای مرکزی و قفقاز به اسرائیل واگذار شده است. هدف اصلی این طرح ضربه زدن به منافع ایران در آسیای مرکزی و قفقاز و مقابله با بنیادگرایی مذهبی در این منطقه است (مرکز مطالعات استراتژیک اورا سیایی ترکیه، www.Asam.rog.tr).

د) جلوگیری از حمایت نخبگان سیاسی و فرهنگی این منطقه از انتفاضه فلسطین

جلب نظر سران کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز برای حمایت نکردن از انتفاضه مردم فلسطین و حکومت خودگردان، یکی دیگر از اهداف سیاسی اسرائیل در این کشورها است. اسحاق شامیر، نخست وزیر پیشین اسرائیل، نامه‌هایی برای ۲۳۰ تن از اعضای کنگره آمریکا نوشت و خواستار فشار آنها برای متقاعد ساختن سران منطقه برای کاهش روابط با فلسطینی‌ها شد. حتی دولت اسرائیل از جیمز بیکر، وزیر خارجه وقت آمریکا، درخواست کرد به کشورهای آسیای مرکزی از جمله قزاقستان درباره گسترش روابط با فلسطین هشدار دهد. اما، با همه این اقدام ها، فعالیت و نفوذ سازمان آزادی‌بخش فلسطین در آسیای مرکزی و حتی قفقاز بیشتر با کامیابی همراه بوده است^۱.

ه) گسترش پیوندهای اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز

یکی از اهداف اسرائیل در نفوذ به این مناطق بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی آنها است. در واقع، برنامه‌های اقتصادی اسرائیل در این کشورها را می‌توان از چند جنبه ارزیابی کرد. نخست آنکه این

۱. در ژانویه ۱۹۹۲ عرفات به قزاقستان سفر کرد و طرفین بر افزایش سطح روابط دیپلماتیک خود تأکید کردند. در فوریه همین سال عرفات از کشورهای تاجیکستان و ازبکستان دیدار کرد که پوشش خبری وسیعی به دست آورد. این دیدارها شناسایی کشور مستقل فلسطین را به دنبال داشت و باعث شد سازمان آزادی‌بخش فلسطین نفوذ خود را میان کشورهای منطقه افزایش دهد. ولی روی هم رفته دولت‌های منطقه به علت برخی مسائل سیاسی و مصالح اقتصادی نتوانسته‌اند به جمع‌بندی مشخصی در مورد مسأله فلسطین و منازعه منطقه برسند. اگرچه رهبران آنها به مناسبت‌های مختلف حمایت خود را از مردم فلسطین ابراز داشته‌اند. هیچ کدام اقدامی عملی در این زمینه انجام نداده‌اند.

رژیم می‌خواهد در بخش‌های صنعتی و کشاورزی منطقه از جمله در بخش مدیریت آب و کشت پنبه نقش ایفا کند. دوم آنکه همانند ترکیه و آمریکا به نفت و گاز و سایر منابع طبیعی آسیای مرکزی و قفقاز نیازمند است. اسرائیل این هدف خود را به کمک متحدان منطقه‌ای خویش یعنی آمریکا و ترکیه دنبال می‌کند.

و) جلب نظر آرای رهبران و روشن‌فکران منطقه در مجامع بین‌المللی

یکی دیگر از انگیزه‌های این رژیم در برقراری روابط با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، کوشش همه‌جانبه برای جلب همکاری رهبران و روشن‌فکران این کشورها در مجامع بین‌المللی به سود خویش است. به عبارت دیگر، هدف این رژیم جلب حمایت مردم و دولت‌های منطقه در سازمان‌های بین‌المللی یا منطقه‌ای برای کاهش فشار علیه خود و رفع بحران مشروعیت بین‌المللی خویش است. هم‌چنین جلوگیری از تشکیل جبهه ضداسرائیلی در منطقه، گسترش سطح تماس با کشورهای مسلمان و برقراری مواضع دیپلماتیک یکنواخت دولت‌های آنها درباره مناقشه اعراب و اسرائیل و سرانجام شتاب بخشیدن به فرایند صلح خاورمیانه از انگیزه‌های دیگر اسرائیل در آسیای مرکزی و قفقاز محسوب می‌شود.

ز) جلوگیری از انتقال فناوری هسته‌ای به دشمنان اسرائیل

وجود سلاح‌های هسته‌ای در قزاقستان و ترس اسرائیل از احتمال صدور این‌گونه تسلیحات به کشورهای منطقه، یکی دیگر از اهداف حضور این کشور در آسیای مرکزی و قفقاز برآورد شده است. تا جایی که نور سلطان نظر بایف، رئیس‌جمهور قزاقستان، برای پایان بخشیدن به شایعه‌هایی مبنی بر اینکه قزاقستان تجهیزات اتمی به برخی کشورهای منطقه فروخته است، در مصاحبه‌ای با یدیعوت/حرونوت تأکید کرد: «در این زمینه نباید هیچ نگرانی به خود راه داد؛ زیرا ما از سلاح‌های هسته‌ای خویش به خوبی مواظبت می‌کنیم و احتمال خروج پنهان آنها از مرزهای قزاقستان به هیچ وجه امکان‌پذیر نیست». نگرانی اسرائیل از زمان فروپاشی شوروی آغاز شد، چون شمار بسیاری از دانشمندان و متخصصان از جمهوری‌ها خارج شدند و احتمال می‌رفت با کشورهای منطقه همکاری اتمی کنند. بر این اساس، سیا و موساد به دقت حرکت‌های کارشناسان انرژی هسته‌ای در آسیای مرکزی و قفقاز را زیر نظر گرفته‌اند (ملکی، ۱۳۷۷: ص ۱۲۷).

ح) ایفای نقش جدید در چارچوب راهبرد غرب

از سال ۱۹۴۹ تا زمان فروپاشی اتحاد شوروی که اساس روابط بین‌الملل، جنگ سرد میان دو ابرقدرت شرق و غرب بود، دولت اسرائیل این اصل را در سیاست خارجی خود دنبال می‌کرد که نقشی به سود غرب ایفا کند. اسرائیل غرب را قانع کرده بود که برای مقابله با توسعه‌طلبی کمونیسم نقشی منحصر به

فرد دارد و جلوگیری از توسعه نفوذ اتحاد شوروی در منطقه، راهی جز تقویت اسرائیل ندارد. بدین سبب در طول دوران جنگ سرد (حدود چهار سال)، اسرائیل از پشتیبانی های بی دریغ سیاسی، امنیتی و اقتصادی غرب، به ویژه ایالات متحده آمریکا برخوردار بود (ریونز، ۱۳۷۶: صص. ۱۲-۱۴۰). با فروپاشی اتحاد شوروی، نقش اسرائیل به عنوان سدکننده توسعه نفوذ کمونیسم از بین رفت. هم چنین به علت حمله صدام حسین به کویت و آغاز جنگ خلیج فارس، و به دنبال آن ورود مستقیم نیروهای غربی به منطقه، نقش و جایگاه اسرائیل در چارچوب راهبرد غرب مورد تردید قرار گرفت و مسأله فرایند صلح اعراب و اسرائیل و لغو تحریم های این رژیم توسط پاره ای از کشورهای عربی نیز این مطلب را تقویت کرد. لذا دولت اسرائیل به دنبال ایجاد نقش جدیدی برای خود بود و به این منظور به دو اقدام دست زد: اول، بزرگنمایی خطر اصول گرایی اسلامی در منطقه خاورمیانه به عنوان تهدیدی علیه منافع غرب که این سیاست در دهه اخیر به شدت ادامه یافته است. در این زمینه، اسرائیل برای خود نقش اصلی در مقابله با خطر اسلام گراها قائل است و دولت ایران را به عنوان کانون بنیادگرایی اسلامی در منطقه و جهان معرفی می کند. دوم، تقویت لابی یهودی در حکومت ایالات متحده آمریکا برای تأثیرگذاری بر سیاست خارجی این کشور به منظور رسیدن به اهداف این رژیم (اخوان مفرد، ۱۳۷۹: ص. ۶۷). مهار روسیه و ایران، هدف مشترک غرب و دولت اسرائیل در منطقه است. با نگرش به تحول های گذشته و جاری و به ویژه با روی کار آمدن دولت هایی بانگش غرب گرایانه حضور و نفوذ ایالات متحده آمریکا و اسرائیل به طور فزاینده ای گسترش می یابد و دایره منافع ایران و روسیه تنگ تر و محدودتر می شود (نائبیان، ۱۳۹۱، ص. ۱۹۳). براساس گزارش محرمانه ای که سازمان سیا به همراه وزارت امور خارجه اسرائیل تدوین کرد، باید در خاورمیانه نقش جدیدی به دولت اسرائیل واگذار شود. این گزارش که با نظارت ساموئل برگر، مشاور وقت امنیت ملی ایالات متحده آمریکا، تدوین شده است، توصیه می کند تلاش های اسرائیل برای نفوذ در جمهوری های شوروی هدایت شود تا اسرائیل در رأس مبارزه علیه نفوذ روسیه و ایران قرار گیرد. در این سند، نقش اسرائیل به عنوان «کوبای آمریکا» در منطقه بی ثبات آسیای مرکزی و قفقاز خوانده شده و از ترکیه نیز به عنوان هم پیمان اصلی اسرائیل در این منطقه یاد شده است.

ط) بهره مندی از منابع انرژی حوزه خزر

یکی از هدف های اسرائیل، تأمین بخشی از نیازهای راهبردی خود، یعنی نفت مورد نیاز خود از طریق خط باکو - تفلیس - جیحان است که با امتداد این خط به بندر جیحان است که با امتداد این خط به بندر جیحان ترکیه در کنار دریای مدیترانه، اسرائیل با ساختن یک خط زیرگذر از دریا یا از طریق حمل با نفت کش ها، این محموله را به بنادر حیفا یا اشدود هدایت می کند. هزینه و قیمت انتقال این نفت در

مقایسه با سایر مناطق نفتی ارزان تر است و در نتیجه این کشور از حیطة و سلطه کشورهای عربی و ایران در زمینه‌های نفتی خارج می‌شود (صدا و سیما، ۱۳۷۸). از سویی، طبق گزارش برخی منابع خبری اسرائیل، این رژیم در حال مذاکره‌هایی با ترکیه، گرجستان، ترکمنستان و آذربایجان است که نفتی که از باکو در جمهوری آذربایجان به جیحان در ترکیه می‌رسد (خط لوله‌ای که در سال ۲۰۰۶ افتتاح شد) به پایانه نفتی اشکلون و سپس از طریق یک خط لوله به بندر ایلات به اسرائیل منتقل شود. اسرائیل در نظر دارد جز تأمین مصرف داخلی خود، به عنوان بازیگری جدید در صحنه نفت جهانی ظاهر شود و از طریق بند ایلات و با استفاده از سوپر تانکرها خاوردور را تأمین نفتی کند (www.naftimes.com).

۳. نگاه اسرائیل به مناقشه‌های قفقاز

نگاهی به تحولات سال‌های پس از فروپاشی شوروی در منطقه نشان می‌دهد که اسرائیل سیاست محتاطانه و در عین حال، حساب‌شده‌ای در مورد بحران‌های کلان قومی سرزمینی قفقاز اتخاذ کرده است. این رژیم تاکنون هیچ تمایلی به حضور در گروه‌های دخیل در حل و فصل مناقشات قفقاز جنوبی مانند گروه موسوم به «دوستان دبیرکل سازمان ملل» برای حل و فصل مناقشه قره‌باغ نشان نداده است یا هیچ اقدام آشکاری که بیانگر حتی گرایش‌ها میانجیگرانه این رژیم در مناقشه‌های قفقاز جنوبی باشد، انجام نداده است. موضع تل‌آویو در خصوص مناقشه‌های آبخازیا و اوستیای جنوبی گرجستان تا حدودی مشخص‌تر بوده است. در مناقشه‌های سابق آبخازیا و اوستیای جنوبی، یک طرف درگیری دولت مرکزی گرجستان و طرف دیگر، مناطق جدایی‌طلب سوخومی (مرکز آبخازیا) و تسخینوالی (مرکز اوستیای جنوبی) بوده است. از این رو، همواره تل‌آویو دست کم در سیاست آشکار و اعلام شده خود در منطقه قفقاز جنوبی از تمامیت ارضی گرجستان حمایت کرده و در رأی‌گیری‌های انجام شده در سازمان ملل نیز رأی مثبت به تمامیت ارضی گرجستان داده است. در سال ۲۰۰۴ سفیر وقت این رژیم در تفلیس طی سفری به این مناطق، کمک‌های مالی در اختیار این مناطق گذاشت و در پی اعتراض گرجستان، اسرائیل اعلام کرد به یهودیان این مناطق جدایی‌طلب کمک می‌کند.

در مناقشه قره‌باغ، مواضع اسرائیل بسیار محتاطانه بوده است؛ زیرا از یک سو، طرف درگیری، جمهوری آذربایجان است که با داشتن موقعیت راهبردی در قفقاز جنوبی ذخایر قابل توجه انرژی فسیلی دارد که کشورهای غربی و متحدان آنها هم‌چون اسرائیل نمی‌توانند به آن بی‌توجه باشند. علاوه بر این، اسرائیل در چارچوب اتحاد امنیتی سه جانبه جمهوری آذربایجان، ترکیه، اسرائیل با این کشور همکاری می‌کند. طرف دوم مناقشه، ارمنستان است که لابی ارمنی آن در بسیاری از کشورهای غربی از جمله آمریکا و فرانسه نفوذ چشمگیری دارد. علاوه بر این، مسیحی بودن ارمنستان خود امتیازی برای این کشور در باشگاه مسیحی و آمریکا در برابر جمهوری آذربایجان محسوب می‌شود. طی سال‌های گذشته سفرای

اسرائیل در جمهوری آذربایجان و ارمنستان بارها در سخنان خود سعی کرده‌اند به نفع کشور میزبان خود در قبال مناقشه قره‌باغ موضع‌گیری کنند. بر این اساس تا سال ۲۰۰۰، اسرائیل همواره در رأی‌گیری سازمان ملل در خصوص تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان رأی ممتنع داده است. این موضوع تا حدودی متأثر از رأی ممتنع اغلب کشورهای غربی مانند آمریکا و فرانسه به تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان و نیز ضعف دیپلماسی جمهوری آذربایجان بوده است. اما این موضع از سال ۲۰۰۱ و در رأی‌گیری ۱۵ دسامبر ۲۰۰۱ سازمان ملل در مورد تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان تغییر کرده است. در این رأی‌گیری، اسرائیل برای اولین بار برخلاف آمریکا و فرانسه، به تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان رأی مثبت داد. در واقع، تل‌آویو برای فشار به ارمنستان و خلل در نوع و کم و کیف مناسبات ایران و ارمنستان، اقدام به تغییر محسوس موضع خود در قره‌باغ کرده است. به همین علت از دسامبر ۲۰۰۱، شاهد موضع‌گیری‌های جالب اسرائیل در مورد ارمنستان هستیم. نمونه آن اظهارات فوریه ۲۰۰۲ سفیر اسرائیل در ارمنستان در مورد ادعای کشتار ۱۵ آوریل ۱۹۱۵ ارمنه توسط ترک‌های عثمانی است که برای ارمنه حساسیت فوق‌العاده‌ای دارد. ریوکا کوهن، سفیر اسرائیل در ارمنستان، فوریه ۲۰۰۲ ادعاهای دولت ارمنستان را درباره کشتار ارمنه منفی ارزیابی کرد. این موضع، موجب بروز تنش در روابط ارمنستان و اسرائیل شد. در همین مورد، وزارت امور خارجه ارمنستان با انتشار یادداشتی اعتراض‌آمیز، سفیر اسرائیل در ارمنستان را احضار کرد. نکته جالب اینکه این رژیم خود از مطرح کنندگان اصلی مسأله کشتار ۱۹۱۵ ارمنه در پارلمان کشورهای اروپایی به ویژه در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ بوده است. حتی موشه کامهی، وزیر آموزش و پرورش آن، در سال ۲۰۰۰ خواهان تدریس مسأله کشتار ۱۹۱۵ ارمنه در کتب درسی اسرائیل شده بود. از این رو، موضع‌گیری سفیر اسرائیل، یک پیام آشکار سیاسی به ارمنستان بوده است. به همین علت، اسرائیل تداوم شرایط نه صلح و نه جنگ را در قفقاز زمینه مساعدی برای گسترش نفوذ خود در منطقه می‌داند، از این رو، حتی تلاش‌های اقتصادی، علمی و فنی اسرائیل در منطقه قفقاز ماهیتی سیاسی - امنیتی دارد (کاظمی، ۱۳۸۴: ص ۴۹۲).

۴. روابط اسرائیل و گرجستان

در سال‌های گذشته، روابط این رژیم با گرجستان روند صعودی داشته است. این همکاری همزمان با سفر موشه کتساو، رئیس جمهور اسرائیل، به گرجستان در ۲۶ ژانویه ۲۰۰۱ و بستن قرارداد مبارزه با تروریسم و سفر کوتاه سال ۲۰۰۴ میخائیل ساکاشویلی، رییس جمهور گرجستان، به اسرائیل گسترش یافت. گرجستان با عقد این قرارداد وارد بازی خطرناکی شد؛ زیرا این رژیم از فلسطینی‌های مبارزه به عنوان «تروریست» نام می‌برد. موقعیت راهبردی گرجستان در کنار دریای سیاه، هم‌چنین واقع شدن این کشور در درون طرح‌های غربی انتقال انرژی نظیر باکو - جیحان - باکو و باکو - تغلیس - ارزروم، در کنار

دیدگاه غرب‌گرایانه گرجستان، از دلایل علاقه‌مندی غرب به حضور در گرجستان است. در سال‌های پس از فروپاشی شوروی، این رژیم نیز همسو با متحد راهبردی‌اش آمریکا، توجه خاصی به گرجستان داشته است. در همین زمینه از سال ۱۹۹۲، سفارت این رژیم در گرجستان دایر است. پس از حادثه یازدهم سپتامبر آمریکا و مشارکت گرجستان در مبارزه با تروریسم، اسرائیل نیز تلاش گسترده‌ای برای افزایش همکاری‌های امنیتی با گرجستان آغاز کرده است. این روند در فوریه ۲۰۰۲، همزمان با مطرح‌شدن تصمیم آمریکا به اعزام نیرو به گرجستان به بهانه مخفی‌شدن تروریست‌های مرتبط با شبکه القاعده در دره پانکیسی گرجستان شدت یافته است؛ به طوری که روزنامه آخالی ورسیا، چاپ تفلیس، در شماره روز دوشنبه ۱۸ مارس ۲۰۰۲ خود افشا کرد که اسرائیل و گرجستان در توسعه و مونتاژ مهمات نظامی همکاری می‌کنند. به این نکته مهم نیز باید اشاره کرد که سیاست ناتوگرایی برخی جمهوری‌های قفقاز جنوبی، از جمله جمهوری آذربایجان و گرجستان، زمینه مناسبی را برای نفوذ اسرائیل در قفقاز جنوبی فراهم ساخته است. اسرائیل به بهانه رساندن ارتش و نیروی نظامی جمهوری‌های قفقاز جنوبی به سطح استانداردهای ناتو، این کشورها را به همکاری‌های امنیتی و نظامی ترغیب می‌کند (کاظمی، ۱۳۸۴، ص. ۴۹۲).

۵. نوع بازیگری اسرائیل در مناقشه اخیر گرجستان

با توجه به ماهیت و چگونگی تأسیس اسرائیل، این رژیم همواره از ابزارهای خاصی برای اعمال سیاست خارجی خود بهره می‌گیرد. یکی از این ابزارها عملیات مخفیانه و مداخله نظامی است که آن را از ابتدای استقرار حکومت خود، به عنوان مؤثرترین و کارآمدترین وسیله رسیدن به اهداف و تحمیل خواسته‌های خود به دیگران اعمال کرده است (نائیبیان، ۱۳۸۹: صص. ۱۵۷-۱۸۳). اسرائیلی‌ها در مناقشه اخیر گرجستان در چند سطح نظامی- امنیتی به ایفای نقش پرداختند که ارسال اسلحه، فعال‌سازی شرکت‌های مشاوره‌ای، حضور کارگزاران و مشاوران اسرائیلی در صحنه نبرد، هم‌چنین تشویق یهودیان برای مهاجرت به اسرائیل، بخشی از این اقدام‌ها بوده است. شایان ذکر است که مسائل اقتصادی فصل دیگری از تنش‌ها و تعارض‌های میان دو کشور روسیه و گرجستان را شکل می‌دهد. گرجستان که پس از استقلال با بحران جنگ داخلی و جنبش‌های جدایی‌طلب روبه‌رو شده بود هزینه‌های بسیاری را صرف بازگرداندن ثبات به کشور کرده این عامل به همراه بحران‌های اقتصادی و نابسامانی‌های ساختاری به جا مانده از اقتصاد دوره شوروی، بیکاری، فقر و فساد مالی مقامات بلند پایه، به شکاف عمیق طبقاتی دامن زد. در این بین مردم گرجستان که همواره احساسات ملی‌گرایی و ضد روسی

شدیدی از خود نشان داده‌اند، مشکلات اقتصادی، عقب ماندگی و توسعه نیافتگی خود را به زیر ساخت‌های نامناسب شوروی و ارتباط به روسیه نسبت دادند. از این رو گرایش به غرب برای رهایی از بحران اقتصادی به ایده ملی و آرمان دولتی مبدل شد. اگرچه مشکلات اقتصادی گرجستان با پیوستن به ساختارهای او-آتلانتیکی نیز حل نشده ماند، اما این موضوع تأثیری منفی بر روابط مسکو و تفلیس بر جای گذاشت (نائبیان، ۱۳۸۹، ص. ۱۸۲). در زیر به برخی کدها منتشر شده اشاره می‌شود:

الف) ارسال سلاح‌های مدرن به گرجستان

همکاری نظامی-امنیتی این رژیم با گرجستان از سال ۲۰۰۰ به صورت رسمی شروع شده و با سفر میخائیل ساکاشویلی به اسرائیل در سال ۲۰۰۴، حجم این همکاری‌ها افزایش یافته است. (ww.haber10.com) در راستای این همکاری‌ها، اسرائیل هواپیماهای بدون خلبان «هرمس ۴۵۰» در اختیار گرجستان قرار داده است. این هواپیماها برای جمع‌آوری اطلاعات به کار می‌روند و قادرند بیش از ۲۰ ساعت به طور مستقیم پرواز کنند. سرعت این هواپیماها ۱۷۰ کیلومتر در ساعت است و توان حمل تجهیزاتی با وزن ۱۵۰ کیلوگرم را دارند. به این ترتیب می‌توانند برای تصویربرداری و ایجاد ارتباط به کار روند. علاوه بر آن، این هواپیماها قادرند اهداف خود را با لیزر مشخص کنند. این رژیم هم‌چنین سامانه‌های موشکی متحرک از نوع «لینکس» در اختیار گرجستان قرار داده است. این سامانه‌ها از قدرت آتش‌باری قدرتمند و دقیقی برای هدف قرار دادن اهداف دور برخوردارند و می‌توانند موشک‌های مختلفی با برد ۴۵ تا ۱۵۰ کیلومتر پرتاب کنند (www.yenidenergenedon.com.Tr). درباره بهینه‌سازی هم اسرائیلی‌ها دست به کار شده‌اند و هواپیماهای جنگنده سوخوی ۲۵ (SU-25) ارتش گرجستان را نوسازی کرده‌اند و یگان‌های بسیاری از نیروهای زمینی ارتش گرجستان و یگان‌های ویژه را آموزش داده‌اند. این رژیم علاوه بر موارد مذکور، عینک‌های شب‌بین، خمپاره، موشک، حدود صد دستگاه ضدمین ویژه مین‌های ضد تانک، ۵۰۰ تور ویژه استتار و ... به ارتش گرجستان تحویل داده است.^۱ البته اسرائیل در ارتباط با فروش تسلیحات به گرجستان، به علت حساسیت مسکو، فروش ۲۰۰ تا ۳۰۰ تانک مرکاوا^۲ به گرجستان را متوقف ساخت.

۱. وزیر دفاع روسیه تعداد انواع سلاح‌هایی را که اسرائیل به گرجستان تحویل داده، چنین برشمرده است: ۷۰ خمپاره انداز، ۱۰ سیستم موشکی زمین به هوا، ۸ هواپیمای بدون خلبان و سایر سلاح‌ها. یک مقام نظامی روسی گفته است که گرجی‌ها با اسرائیلی‌ها درباره تحویل انواع سلاح‌های سنگین از جمله تانک‌ها، نفربرهای زرهی، خودروهایی نظامی و سلاح‌های خودکار و تجهیزات تجسسی الکترونیکی مذاکراتی داشته‌اند، ولی معامله‌ای انجام نشده است.

1. Merkava

این تانک به علت داشتن تجهیزات حفاظتی مؤثر در حفظ جان سرنشینان، در اسرائیل به «تانک مادران» معروف است (www.yenidenergenedon.com.Tr).

ب) کارگزاران و مشاوران اسرائیلی در دستگاه نظامی - امنیتی گرجستان

فهرست اسرائیلی‌هایی که در تجهیز نظامی گرجستان دست داشته‌اند، یا به آموزش یگان‌های ویژه ارتش آن پرداخته یا برای گرفتن حق استفاده از دو فرودگاه نظامی در جنوب آن کشور به منظور بهره‌برداری در صورت حمله احتمالی به تجهیزات هسته‌ای ایران تلاش کرده‌اند، حدود دخالت‌های این رژیم را در گرجستان به قدر کافی روشن می‌کند. تابعیت «دیوید کزاشویلی» وزیر دفاع گرجستان به اسرائیل نشان‌دهنده سطح نفوذ نظامی اسرائیل در این کشور است. وی یک یهودی است که در کودکی به اسرائیل مهاجرت کرده و در منطقه حولون زندگی و دوره دبیرستان خود را در آنجا گذرانده است. دیوید کزاشویلی که تا چند سال پیش در اسرائیل بود، پس از بازگشت به گرجستان، در دانشگاه تغلیس تحصیل کرد و معاون میخائیل ساکاشویلی، رئیس مجلس شد. هنگامی که ساکاشویلی به ریاست جمهوری گرجستان رسید، وی را به وزارت دفاع برگزید. انتخاب وی به عنوان وزیر دفاع در سال ۲۰۰۶، موجب حیرت بسیاری از نخبگان سیاسی - فکری گرجستان، از جمله رهبر حزب کارگر گرجستان شد که چگونه کسی که مطلقاً تجربه نظامی ندارد، وزیر دفاع شده است. (مهاجرانی، www.diplomacy.ir) پدر دیوید کزاشویلی، وزیر دفاع گرجستان، پیشتر در گفت‌وگویی با روزنامه *یدیعوت/حرونوت* اعلام کرد: «پسرم به اسرائیل ارادت خاصی دارد و تاجران سلاح اسرائیلی در خانه وی در گرجستان را همیشه به روی خود باز می‌بیند» (www.buu/ke.com.Tr). همبستگی‌های دیوید کزاشویلی وقتی محکم‌تر شد که میخائیل ساکاشویلی گرجستان را به دنبال واکنش نظامی روسیه در مقابل کشورش، «اسرائیل منطقه قفقاز» خواند (www.yenidenergeneken.com). علاوه بر کزاشویلی، وزیر امور اوستیای جنوبی و آبخازیا (وزیر اسکان دوباره^۱) تیمور یاکاشویلی هم یهودی است. گفته می‌شود وی تابعیت اسرائیلی ندارد، با این حال، درجه وابستگی‌اش به اسرائیل کمتر از وزیر دفاع نیست. پس از روز نخست آغاز جنگ ارتش گرجستان در اوستیای جنوبی، تیمور یاکاشویلی در مصاحبه‌ای با رادیوی عبری ارتش اسرائیل (به عبری روان حرف می‌زد) گفت: «اسرائیل باید به ارتش خود و کیفیت سلاحی که به گرجستان داده است و نیز به شیوه تربیت نظامیان گرجی افتخار کند. در همان آغاز جنگ، گروه کوچکی از ارتش گرجستان، ۹۰ نظامی روس را کشت، ۵۰ تانک را منهدم و ۱۱ هواپیمای روسی را ساقط کرد». روزنامه‌های آرتس روز ۱۱ اوت، تیتراولش را همان سخن

2. Reintegration

ساکاشویلی قرار داد: «افتخار اسرائیل»! (www.ir.diplomacy.ir) وی از دولت آمریکا و اسرائیل خواست که از گرجستان حمایت کنند، زیرا مسأله آن بین المللی است (www.Turkhabar.com.Tr). در بخش نیروهای امنیتی گرجستان هم اسرائیل یک مهره درجه اول دارد. ژنرال «گال هیرش» فرمانده لشکر الجلیل که به علت شکست و ناکامی در جنگ ۳۳ روزه لبنان مجبور به استعفا شد، یک شرکت مشاوره امنیتی در گرجستان تأسیس کرده است. رئیس جمهور گرجستان او را به عنوان مشاور امنیتی انتخاب کرد. بنا به گفته منابع اسرائیلی، این ژنرال تلاش می کرد یگان های ویژه ای مشابه یگان های اسرائیلی «سیبرت متکال» در ارتش گرجستان ایجاد کند (خبرگزاری قدسینا، ۱۳۸۷). وی در حال حاضر یکی از صاحبان شرکت مشاوره امنیتی «سپر حفاظتی است»^۱. در کنار ژنرال گال هیرش، ژنرال اسرائیل زیف^۲، فرمانده تیپ کماندوها در ارتش اسرائیل و فرمانده تیپ غزه در گذشته سپس به عنوان مسئول یک شرکت مشاوره امنیتی در گرجستان فعالیت می کرد. این دو ژنرال از صاحب نام ترین افرادی هستند که یگان های ویژه ارتش گرجستان را با بازی یک گروهان صد نفری موسوم به «مشاوران ویژه» تعلیم داده اند. ژنرال «اسرائیل زیف در جنگ اول لبنان (۱۹۸۲) عنوان «عملیات صلح جلیله» بر خود داشت («تهدیدهای دخالت های نظامی اسرائیل در گرجستان» در سایت (www.dostan.monde)). علاوه بر این افراد، دو مهره مهم دیگر اسرائیل در گرجستان، رانی میلو^۳ و برادرش «شلومو» که به عنوان نماینده صنایع نظامی اسرائیل در گرجستان فعالیت می کردند. راین میلو عضو کنست و وزیر سابق وابسته به حزب لیکود (وزیر شهربانی سابق و شهردار تل آویو) از همکاران اسحاق شامیر (عامل سابق موساد و نخست وزیر دولت حزب لیکود) و برادر او «شلومو» خلبان سابق نیروی هوایی و مدیر بزرگ ترین شرکت اسلحه سازی اسرائیل به نام «صنایع نظامی اسرائیل» است. این دو به عنوان نمایندگان شرکت نظامی - الکترونیک ال بیت سیستم^۴ در تفلیس حضور داشته اند. رانی میلو که زمانی از ستارگان رو به رشد حزب دست راستی لیکود بود، حاضر نشد در مقابل سؤالات روزنامه نگاران، از جزئیات معاملات خود با دولت گرجستان پرده بردارد. او در عوض به یادآوری عمق رابطه دوجانبه تفلیس و

۱. حضور ژنرال هیرش در گرجستان و تعلیم «نیروهای ویژه گرجستان» بعدها به این صورت با سرزنش سید حسن نصرالله مواجه شد: «کال هیرش بعد از شکستی که در لبنان متحمل شد، به گرجستان رفت و با حضور خود باعث شکستی دیگر شد. گرجستان که به سلاح ها و کارشناسان اسرائیلی اتکا کرده بود در عمل دلیل شکست ژنرال های اسرائیلی را دریافت. رخدادهای گرجستان پیام بیدارباشی به همه کسانی است که آمریکا در تلاش انداختن آنها به تور ماجراجویی های خطرناک خود است».

2. YisraelZiv
3. Ronnie Milo
4. Elbit systems

تل‌آویو پرداخت و گفت: «پدیده ایستادگی یک کشور کوچک در مقابل قدرت بزرگی مانند روسیه، از ابتکارها تغلیس نیست. ما خود برای سال‌ها همین وضعیت را داشتیم بی‌آنکه کسی به فکر یاری رساندن به ما باشد، زیرا همه از اعراب و روس‌ها می‌ترسیدند» (www.dostan.monde). حتی به اشاره برخی منابع معتبر، در آغاز حمله گرجستان به اوستیای جنوبی، اسرائیلی‌ها بی‌خبر نبودند و در پوشش‌های مختلف به نقش‌آفرینی می‌پرداختند. همانطور که سایت اطلاعاتی «دبکافایل»^۱، متعلق به نهادهای امنیتی این رژیم، در گزارشی اعلام کرد: تانک‌ها و پیاده نظام‌های گرجی با همکاری کارشناسان نظامی اسرائیل توانستند به اوستیای جنوبی وارد شوند و به این ترتیب، درگیری‌های گرجستان و روسیه در خصوص این منطقه به نهایت خود رسید. براساس گزارش این سایت اطلاعاتی، میخائیل ساکاشویلی، رئیس جمهور گرجستان سال گذشته حدود هزار تن از مشاوران شرکت‌های امنیتی ویژه اسرائیل را مسئول آموزش نیروهای مسلح گرجستان در زمینه استفاده از نیروهای کماندو، نیروهای هوایی و دریایی، حملات با تانک و توپخانه و اطلاعات نظامی - امنیتی کرد (www.jame jame online.ir).

ج) تلاش اسرائیل برای تشویق یهودیان گرجستان و اوستیای جنوبی به مهاجرت به اسرائیل این رژیم تا حدودی موفق شد تعدادی خانواده یهودی را روانه اسرائیل کند. بازگو کردن تمام ابعاد و زوایای عملکرد اسرائیل در این بحران دشوار است، ولی مصداق‌های مذکور نشان داد که دخالت و بازی‌سازی اسرائیل محدود به مناقشه اخیر نیست و نخواهد بود. در آینده با روشن شدن لایه‌های دیگر دخالت اسرائیل در مناقشه‌های این منطقه، سیاست بحران‌سازی اسرائیل نمایان خواهد شد. البته این نوع رفتار و سیاست دولت اسرائیل در مورد جنگ گرجستان مخالفاتی در داخل کشور و هم‌چنین دولت روسیه داشته است. شمار زیادی از تحلیلگران صهیونیست از سیاست‌های دولت اسرائیل در برابر مناقشه اخیر گرجستان انتقاد کرده‌اند.^۲

1. DEBKA File

۲. اورلی اوزالای کاتس، خبرنگار روزنامه یدیعوت/ حرونوت در واشنگتن، با نگارش مقاله‌ای از تل‌آویو خواست از جنگ قفقاز درس گیرد و در زمان فشار هرگز چشم امید به آمریکا نداشته باشد. در مقاله مذکور آمده است: «ساکاشویلی، رئیس جمهور گرجستان، به امید حمایت‌های واشنگتن، به تحریک روسیه پرداخت، ولی در کمال تعجب دید که دولت بوش برای نجات هم‌پیمانانش هیچ اقدامی انجام نمی‌دهد».

انشل بابر، یکی از نویسندگان و صاحب‌نظران صهیونیست، با نگارش مقاله‌ای در روزنامه عبری زبان‌ها آرتس، خاطر نشان کرد: «جنگ گرجستان بار دیگر به ما نشان داد که اسرائیل در معادلات خود شکست خورده است. آری، ائتلاف اسرائیل و گرجستان نتیجه‌ای جز شکست نداشت؛ هم‌چنان که در گذشته ائتلاف‌هایمان با مارونی‌های لبنان، نظام پینوشه در شیلی و دولت عیدی امین در اوگاندا با ناکامی تمام همراه شد».

۶. واکنش روسیه در مقابل اقدام های اسرائیل در این مناقشه

قبل از پرداختن به واکنش روسیه در مقابل اقدام های اسرائیل در بحران گرجستان، لازم است به این نکته اشاره کنیم که روابط روسیه با اسرائیل جز در برخی برهه ها در مجموع، مستحکم بوده است و نقش شوروی در به وجود آمدن این رژیم و شناسایی آن در مجامع بین المللی کمتر از سایر قدرت های غربی نیست (نائیان، ۱۳۸۹: ص. ۱۷۵). از سوی دیگر، حدود یک پنجم جمعیت اسرائیل را مهاجران روسی تشکیل می دهند که بیشترشان نخبگان دانشگاهی، تحصیل کرده ها و دانشمندان روسی هستند.^۱ این جماعت امروز ضمن تبدیل شدن به هویت سیاسی - اجتماعی قوی در جامعه اسرائیل، عامل مؤثر در روابط اسرائیل با روسیه هستند. بسیاری از این روس تبارهای اسرائیلی، هم چنان حاملان ایدئولوژی قدرت بزرگ در روسیه به شمار می روند. مهاجرت گسترده آنان در طول دهه ۱۹۹۰ به طور جدی ساختار اجتماعی اسرائیل را تحت تأثیر قرار داد (کولایی، ۱۳۸۳: ص. ۱۱۷). روسیه قبل از جنگ گرجستان، نوع همکاری نظامی اسرائیل با گرجستان را زیر نظر داشت و در برخی موارد به صورت غیررسمی تبادل نظری با اسرائیل می کرد یا مانع ارسال برخی تسلیحات سنگین به گرجستان می شد. برای مثال، تحت فشار یا ملاحظات روس ها، این رژیم از ارائه ۳۰۰ تانک «مرکاوا-۳ و ۴» به گرجستان به مبلغ سه میلیارد دلار خودداری کرد (www.Pe.rian.ra.articles).

این نویسنده به مقام های اسرائیلی درباره واکنش پوتین هشدار داد و اظهار داشت: «رسانه های روسی مدام بر نقش تل آویو در تشویق گرجستان برای آغاز جنگ علیه اوستیای جنوبی تأکید می کنند. به هر حال، اقدام اسرائیل تأثیر منفی بر امکان همکاری روسیه برای اعمال فشار بر ایران به منظور متوقف ساختن برنامه هسته ای اش خواهد داشت و بعید نیست نتیجه این اقدام تل آویو به راه افتادن موجی از خشونت علیه صدها هزار یهودی ساکن روسیه باشد و باعث آغاز حرکت های آنتی سیستمی در این کشور شود». گلعاد شارون، فرزند نخست وزیر اسبق اسرائیل، با انتشار مقاله ای در روزنامه عبری زبان یدیعوت احرونوت، تأکید کرد: «اسرائیل امروز نیازمند شخصی قدرتمند در حد و اندازه ولادیمیر پوتین است». وی در ادامه مقاله گفت: «باید در مقابله با دشمنان عرب از پوتین درس بگیریم، یعنی هرگز نباید کمترین تردیدی در خصوص رویارویی با دشمنان داشته باشیم. جنگ با روسیه نشان داد که عربده جویی در نهایت نتیجه بخش است و جامعه جهانی تنها به قدرتمندها احترام می گذارد و برای دیگران کمترین احترامی قائل نیست».

^۱ - درصد افراد مهاجرت کننده از روسیه به اسرائیل دانشمندان اتحاد شوروی بودند. در پایان سال ۱۹۹۳ تعداد افراد نخبه ای که به اسرائیل مهاجرت کردند، عبارت بود از ۵۷۴۰۰ مهندس و معمار، ۱۲۶۰۰ پزشک، ۱۲۲۰۰ پرستار، ۹۰۰۰ دانشمند، ۱۲۲۰۰ هنرمند و ۲۵۰۰۰ آموزگار.

روس‌ها از یک سو، به صورت دیپلماتیک به رفتار اسرائیل اعتراض و آنها را به قطع ارتباط تهدید کردند. سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، در واکنش غیررسمی به این رژیم، از علاقه این رژیم برای فروش سلاح به گرجستان، از هم‌پیمانان غربی گرجستان، انتقاد کرد و گفت: همه‌آنهايي که گرجستان را با سلاح مجهز می‌کنند، در کشتار مردم مقصرند (www.irandiplomacy.ir). از سوی دیگر، واکنش روسیه حالت تهاجمی به خود گرفت، به گونه‌ای که یک پایگاه نظامی اسرائیلی را در گرجستان منهدم کرد، هم‌چنین سه هواپیمای بدون خلبان تحویل شده به گرجستان در روزها و ماه‌های قبل از جنگ به دست نیروهای روسی سرنگون شدند. در عرصه دیپلماسی نیز روسیه حالت تهاجمی به خود گرفت. در بحبوحه جنگ با گرجستان، سفر کاری بشاراسد، رئیس‌جمهور سوریه، به روسیه فراهم شد. روس‌ها فضای تبلیغی جدیدی درباره همکاری‌های نظامی - امنیتی با سوریه به راه انداختند تا اسرائیل را در تنگنا قرار دهند. روس‌ها اعلام کردند که قصد دارند در اولین مرحله از برنامه‌های خودش ارتش سوریه را با موشک‌های میان‌برد اسکندر مجهز کنند. این موشک‌ها با برد ۲۰۰ کیلومتر قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای دارند. به گفته کارشناسان نظامی، این موشک‌ها در نوع خود بی‌نظیرند و از دقیق‌ترین موشک‌های زمین به زمین در جهان محسوب می‌شوند (www.irandiplomacy.ir). اعلام دستگاه‌های تبلیغاتی روسیه درباره رسیدن ناوهای روسی به بندر طرطوس سوریه و استقرار آنها در پایگاه دریایی این کشور براساس توافق نامه‌ای نظامی و هم‌چنین درخواست بشار اسد از مسکو برای خرید تسلیحات جدید از جمله موشک‌های اس-۳۰۰ و اس‌آی-۱۰ و آمادگی دمشق برای استقرار طرح سپر موشکی روسیه در خاک سوریه یا تبلیغ بر فروش سیستم ضد موشک به ایران، در مجموع امواج هشدارهای روسیه به اسرائیل بود. در نتیجه، اسرائیل ارسال سلاح به گرجستان را به حالت تعلیق درآورد. حتی طبق اعلام منبع آگاه در وزارت دفاع روسیه، مشاوران اسرائیلی در بحبوحه جنگ، تفلیس را ترک کردند (خبرگزاری «نوستی» روسیه، www.rian.ru). دستگاه دیپلماسی اسرائیل برای جلوگیری از عملیاتی شدن تهدیدهای روسیه مبنی بر فروش سلاح‌های پیشرفته به سوریه و ایران، فعالیت گسترده‌ای برای جلب رضایت روسیه انجام داد تا اینکه یهود اولمرت، نخست‌وزیر اسرائیل، در اواسط مهر برای فرونشاندن خشم مسکو و جلوگیری از فروش سلاح‌های اسرائیلی به گرجستان، هم‌چنین برای ممانعت از اقدام‌های احتمالی ضداسرائیلی روسیه، وارد مسکو شد و با مقام‌های روس درباره مسایل سیاسی و امنیتی به توافقی‌هایی رسید. به هر حال، با مدیریت دستگاه دیپلماسی اسرائیل، از عمیق‌تر شدن مشکلات در روابط اسرائیل و روسیه جلوگیری شد.

۷. بازیگری اسرائیل در قفقاز جنوبی از نگاه منافع ملی ایران

با توجه به اینکه منطقه قفقاز در ژئوپولیتیک پیرامونی ایران از اهمیت بالایی برخوردار است و به صورت تاریخی تحولات این منطقه، در زمینه‌های مختلف سیاسی، نظامی و فرهنگی تأثیر خود را بر بخشی از قلمرو ایران گذاشته است، نگاه ایران به این منطقه، امنیتی است. به خصوص که یکی از اهداف اصلی رژیم اسرائیل در ورود به منطقه قفقاز جنوبی فعالیت علیه منافع ملی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است. بازیگری این رژیم در منطقه قفقاز جنوبی از زوایای مختلف می‌تواند منافع ایران را با مشکل مواجه سازد که در ذیل به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

۱- یکی از ابزارهای اسرائیل برای ورود به قفقاز جنوبی، همکاری نظامی - امنیتی با کشورهای این منطقه است. اسرائیل با فروش تسلیحات مدرن به ارتش‌های این منطقه، هم‌چنین آموزش آنها برای استفاده از این تسلیحات، مجرای برای نفوذ به سیستم نظامی - امنیتی این کشورها برای خود به وجود آورده است و به نوعی از این ساختارها و سیستم برای اهداف نظامی - امنیتی خود بهره می‌برد. نمونه آن ایجاد دو پایگاه نظامی در گرجستان است. طبق اخبار برخی رسانه‌ها، این رژیم قصد دارد از این پایگاه‌ها در صورت حمله احتمالی به تأسیسات هسته‌ای ایران بهره ببرد (ایرنا، ۱۳۸۷). مجهز کردن برخی کشورهای منطقه به تجهیزات مدرن جاسوسی که بیشتر در مرزهای ایران به بهانه حفاظت از مرزها یا مبارزه با تروریسم نصب می‌شود، بیش از اینکه در خدمت کشور میزبان باشد، به نفع رژیم اسرائیل است.

۲- این رژیم در ایجاد کانون‌های بحران در مناطق و کشورهای مختلف مهارت دارد. با نگاهی به تاریخچه تشکل‌های یهودی، این گونه ابتکارها در حوزه بحران آفرینی به خوبی روشن می‌شود. با این اوصاف، این رژیم می‌تواند بحران‌هایی ساختگی در منطقه در تضاد با منافع ایران طراحی کند.

۳- یکی از کارویژه‌های اسرائیلی‌ها برای نفوذ فرهنگی به یک کشور، به خصوص در یک کشور اسلامی، نفوذ به رسانه‌ها و مطبوعات آن کشور است. امروز این نفوذ در رسانه‌های منطقه‌ای آسیای مرکزی و قفقاز مشهود است. اسرائیلی‌ها توانسته‌اند با حمایت از رسانه‌های پرمخاطب جهت‌گیری آنها را علیه جمهوری اسلامی ایران تنظیم کنند.

۴- امروز منابع انرژی منطقه دریای خزر، جایگزینی جدی برای منابع انرژی خاورمیانه است. به همین علت، سرمایه‌گذاری‌های فراوانی در این حوزه صورت می‌گیرد. ولی لابی یهود با توجه به نفوذی که در بنگاه‌های اقتصادی جهان دارد، هماهنگ با سیاست‌های آمریکا، جمهوری اسلامی ایران را در حاشیه این معادلات قرار داده است.

۵- این رژیم با وارد کردن خود به بازی قفقاز، و با قرار گرفتن در کنار آمریکا و سایر هم‌پیمانانش تلاش می‌کند طرح ایران به ترتیبات امنیتی منطقه یعنی طرح ۳+۳ (سه کشور قفقاز به علاوه سه کشور همسایه

یعنی ایران، روسیه و ترکیه) را با بن‌بست مواجه سازد و نقش جمهوری اسلامی را در ترتیبات امنیتی منطقه خنثی کند. روابط اسرائیل و روسیه پس از جنگ گرجستان با روسیه تیره شد. در طول این جنگ روس‌ها فهمیدند که اسرائیل به گرجستان برای مبارزه با روسیه سلاح می‌فرستاده است. اما ناخرسندی روسیه از اسرائیل سبب نشد تلاویو در رابطه خود با تفلیس تجدید نظر کند یا برای گسترش این رابطه دل مسکو را به دست آورد. در حال حاضر اسرائیل توسعه روابط با گرجستان را در دستور کار خود قرار داده و تلاش دارد تا آن جا که ممکن است در این کشور به نفوذ خود ادامه دهد. در گسترش این روابط اسرائیل دو هدف را دنبال می‌کند؛ یکی تاثیرگذاری بر موازنه‌های منطقه‌ای از طریق همکاری با گرجستان در چارچوب تقویت نظارت امریکا بر منطقه قفقاز و دیگری گسترش همکاری‌ها با تفلیس. کارشناسان و تحلیلگران بر این باورند که اجازه گرجستان به جنگنده‌های اسرائیلی برای استفاده از فضا و خاک این کشور برای حمله به ایران، به این دلیل است که وضعیت داخلی گرجستان به هیچ عنوان آرام نیست و دولت ساکاشویلی تلاش کرد با بهره‌برداری از رابطه با اسرائیل پایه‌های حکومتی خود را تقویت کند. به هر حال، نقش‌آفرینی این رژیم در مناطق پیرامونی ایران، به خصوص در حوزه راهبردی قفقاز مغایر منافع و امنیت ملی ایران است.

نتیجه

مناقشه گرجستان بار دیگر نشان داد که منطقه ژئواستراتژیک قفقاز جنوبی همواره در کانون توجه بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بین‌المللی است. به همین علت، مسایل این منطقه با سرعت به موضوع و حتی مسأله‌ای در سطح نظام بین‌الملل تبدیل می‌شود. مناقشه گرجستان در کوتاه‌ترین زمان مشکلاتی در نظام بین‌الملل به وجود آورد. در بین بازیگران مختلف در صحنه مناقشه قفقاز، بازیگری که رفتارش با منطق ژئوپولیتیک کشورش زیاد هم خوانی ندارد، رژیم اسرائیل است. ورود این رژیم به صحنه مناقشه قفقاز، به علت هویت بحران‌ساز آن، بر پیچیدگی بازی و مناقشه افزوده است. از طرفی، اهدافی که این رژیم دنبال می‌کند، خواسته یا ناخواسته منافع برخی کشورها از جمله ایران را در منطقه به چالش می‌کشد. ایجاد شبکه‌های یهودی با نگرش سیاسی-امنیتی، تداوم راهبرد پیرامونی دیوید بن گوریون، مقابله با جریان‌های اسلام‌گرا به خصوص مقابله با انقلاب اسلامی ایران، ایفای نقش جدید در چارچوب استراتژی غرب یا طراحی پروژه انرژی منطقه با درحاشیه گذاشتن جمهوری اسلامی ایران و ... در مجموع در تضاد راهبردی با منافع و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران قابل تعریف است. از

سوی دیگر، نفوذ اسرائیل به ساختارهای نظامی - امنیتی کشورهای منطقه و جهت دادن برخی رفتارهای آنان به سود منافع خویش، این واقعیت را بیان می‌کند که اسرائیل در سطوح مختلف در طراحی بحران‌های منطقه بی‌تأثیر نیست. هم‌چنان که در بحران اخیر، با وجود داشتن ملاحظاتی با روسیه، سیاست بی‌طرفی در پیش نگرفت، بلکه در چارچوب استراتژی آمریکا به فعال‌شدن ستیزش‌ها کمک کرد. این گونه بازیگری اسرائیل در ژئوپولیتیک پیرامونی ایران، به ویژه در منطقه قفقاز، در تضاد با منافع منطقه‌ای ایران در آینده هم قابل تصور است. به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی به طور مستمر نیازمند تعقیب و محدودسازی اسرائیل در حوزه‌های ژئوپولیتیک بیرونی و پیرامونی خویش است.

منابع

الف) فارسی

۱. اخوان مفرد، سیاوش، (۱۳۷۹)، «اسرائیل در آسیای مرکزی، مجله سیاست دفاعی، سال دوم، شماره ۲، صص. ۱۲۱-۱۴۰.
۲. خبرگزاری ایرنا، (مصاحبه سید رسول موسوی، مدیر کل دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه درباره نقش اسرائیل در بحران قفقاز)، ۸۷/۸۷.
۳. خبرگزاری قدسینا، «اسرائیل و جنگ در قفقاز»، ۸۷/۵/۲۲.
۴. خبرگزاری «نووستی» روسیه، <http://rian.ru>، ۸۷/۷/۱۶.
۵. رضایی، علی اکبر، (۱۳۷۷)، «اسرائیل در آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره سوم، شماره ۲۳، صص. ۶۹.
۶. ریونز، استفن، (۱۳۷۶)، «کارکردهای استراتژیک کمک آمریکا به اسرائیل»، سیاست دفاعی، سال پنجم، شماره ۲، صص. ۱۲۱-۱۴۰.
۷. شیرازی، ابوالحسن و مجیدی، محمدرضا، (۱۳۸۲)، سیاست و حکومت در آسیای مرکزی، تهران: قومس.
۸. کولایی، الهه، (۱۳۸۳)، علل و پیامدهای توسعه روابط فدراسیون روسه و اسرائیل، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. ملکی، محمدرضا، (۱۳۷۷)، روابط ترکیه و اسرائیل و آثار آن بر آسیای مرکزی و قفقاز، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۴، صص. ۳۹-۵۶.

۱۰. مورگنتا، هانس جواگیم، (۱۳۷۹)، سیاست میان ملت ها: تلاش در راه قدرت و صلح، ترجمه حمیرا مشیرزاده، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، تهران.
۱۱. مهاجرانی، عطاالله، «پایان رویای آمریکایی انقلاب مخملین گرجستان» (www.diplomacy.ir).
۱۲. نائیان، جلیل، (۱۳۹۱)، دفاع در برابر تجاوز، تبریز: انتشارات هادی.
۱۳. _____، (۱۳۹۱)، قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در حوزه قفقاز، رشت: پنجمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، ص ۶۶۸.
۱۴. _____، (۱۳۹۰)، نگرش بر تحولات ژئوپلیتیکی مناطق همجوار ایران (آسیای مرکزی، خزر- قفقاز)، تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، سال اول، شماره ۲، صص. ۱۶۷-۱۹۷.
۱۵. _____، (۱۳۸۹)؛ موقعیت اسرائیل و صهیونیسم در معادلات سیاسی اروپا و آمریکا، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۲۶، صص. ۱۵۷-۱۸۴.

ب) اینترنتی

1. www.Asam.org.Tr (مرکز مطالعات استراتژیک اوراسیای ترکیه)
2. http://www.nafttimes.com, 08.12.2008.
3. http://www.haber10.com/makale/Articleprint.aspx?id=2454.
4. http://www.yenidenergenekon.com.Tr (KAFKASLARiniraili).
5. http://www.buu/ke.com.Tr/yazdir.php?haber id=4265.
6. http://www.yenidenergeneken.com.Tr.
7. www.ir diplomacy.ir
8. www.turkhabar.com.Tr.
9. www.jame jame online.ir (87/5/20).
10. http://Pe.rian.ra.articles/20081007/117509290-Prino.html.
11. www.irandiplomacy.ir (78/5/24).